


دوره‌نامه تاریخ ادبیات

دوره ۱۴، شماره ۱، (پیاپی ۸۵/۱) بهار و تابستان ۱۴۰۰
مقاله علمی - پژوهشی

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۵/۲۷

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۱/۰۶

10.29252/HLIT.2021.220365.1006 

نقش سه وزیر (شمس‌الدین اصفهانی، معین‌الدین پروانه و

صلاح‌الدین ایوبی) در منشآت سلاطین (ص ۱۹۳-۲۱۶)

اصغر رضاپوریان^۱، نغمه موذنی^۲

چکیده

منشآت سلاطین، اثری از کاتبی نامعلوم در سده ششم و هفتم است که در موضوع اصول مکاتبات دولتی و دیوانی (از جمله: تهنیت، تعزیت، مراتب، مراتب، دستورهای حکومتی، قواعد املا، شیوه‌های اغراق‌گویی و...) تألیف شده است. این مقاله به شیوه توصیفی تحلیلی، نامه‌های سه وزیر (شمس‌الدین اصفهانی، معین‌الدین پروانه و صلاح‌الدین ایوبی) را بررسی کرده و از خلال آن، ویژگی‌های اجتماعی، تاریخی و فرهنگی آن روزگار را کاویده است. در زمینه منشآت سلاطین تا به حال پژوهش روشمند و آکادمیکی صورت نگرفته است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد اندیشه‌های ایرانشهری در منشآت سلاطین به شکلی پرنرنگ و برجسته نمود یافته است. نویسندگان در لابه‌لای این نامه‌ها، مخاطبانشان را به راستی، داد و خرد فراخوانده‌اند و در حقیقت آیین‌نامه مستقل و مستندی تدوین کرده‌اند که مانع از انحراف و زوال زودرس حکومت شده است.

کلیدواژه‌ها: منشآت سلاطین، مکاتبات دیوانی، اندیشه ایران شهری، سبک‌شناسی.

۱. استادیار، گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد شهرکرد، دانشگاه آزاد اسلامی، شهرکرد، ایران. (نویسنده مسئول)

rezaporian@gmail.com

۲. دانشجوی دکتری، گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد شهرکرد، دانشگاه آزاد اسلامی، شهرکرد، ایران.

naghmehmoazeni@yahoo.com

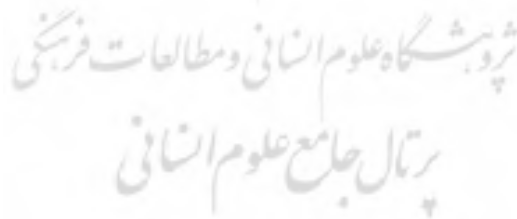
The Representation of Ministers' Status in Manshaat Salatin

Asghar Rezaporeian¹, Naghmeh Moazeni²

Abstract

Manshaat Salatin is a work by an unknown author in the sixth and seventh centuries, written on the subject of the principles of governmental and bureaucratic correspondences. Using a descriptive-analytical method, the present study examines the letters of three ministers (Shams-ud-Din Isfahani, Moin-ud-Din Parvaneh and Salah-ud-Din Ayoubi) and explores the social, historical and cultural characteristics of that era. There has been no methodical or academic research on Manshaat Salatin. The results of the research show that Iranshahri ideas have been prominently highlighted in Manshaat Salatin. Through the letters, the authors have called on their audiences to be truthful, just, and reasonable, and in fact have developed an independent and documented code of conduct that has prevented the premature degradation and decline of the government.

Keywords: Manshaat Salatin, Content-Based Stylistics, Court Correspondences, Iranshahri Ideas



1. Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Islamic Azad University, Shahr-e-Kurd Branch, Shahr-e-Kurd. Iran. (Corresponding Author). rezaporian@gmail.com

2. PhD Candidate, Department of Persian Language and Literature, Islamic Azad University, Shahr-e-Kurd Branch, Shahr-e-Kurd, Iran. naghmehmoazeni@yahoo.com

۱. مقدمه

زبان و ادبیات فارسی سرشار از آثاری گرانبهاست. «منشآت سلاطین» از جمله آثار گرانسنگی است که به سال ۷۱۶ هجری قمری در روزگار ایلخانان نوشته شده است. این اثر به شماره ۱۱۱۳۶ در کتابخانه آیت‌الله مرعشی در قم نگهداری می‌شود. منشآت سلاطین کتابی است در اصول نامه‌نگاری‌های دیوانی و دولتی که به شیوه نگارش نامه‌ها و خطابه‌ها و مکتوبات سلطانی پرداخته است. مؤلف این اثر ناشناخته است. منشآت سلاطین در تاریخ زبان و ادبیات فارسی سابقه طولانی دارد و نیز در بردارنده نکات ادبی، اجتماعی، سیاسی و الگوهایی برای نامه‌نگاری رسمی آن روزگار است.

با نگاهی به منابع پیش از اسلام مشخص می‌شود که پیوسته نزد هر پادشاه، وزیر در بخش‌های متفاوت ایفای نقش می‌کرده است. ایرانیان در روزگار هخامنشیان و پس از آن یعنی در دوره ساسانیان، دارای نظام دیوانی بودند که وزیر در آن نقش بسزایی داشته است. به گونه‌ای که در این دوره، دو دیوان خراج و هزینه با نظارت وزیر بوده است. «ایران در دوره هخامنشیان و ساسانیان، دارای نظام دیوانی بود که در رأس آن وزیر قرار داشت که به آن بزرجمدار به معنی عهده‌دار کارها می‌گفتند» (یعقوبی، ۱۳۷۱: ۱۵۴). حکومت ساسانیان که همواره در معرض حملات ویرانگر دشمنان از سوی شرق (آسیای مرکزی) و غرب (امپراتوری روم) بودند، برای جلوگیری از این تهاجم‌ها دیوان اداری مستقلی که با دیگر ارکان حکومت در سرزمین‌های دیگر ایران در ارتباط باشد بنیان نهادند. همچنین ساسانیان با ایجاد یک دین رسمی، اختلافات ناشی از گونه‌گونی ادیان را از بین بردند (رک: محرم‌خانی، ۱۳۸۹: ۱۸۹).

با ورود اعراب به ایران، عمر بن خطاب نخستین دیوان‌سالاری را تأسیس کرد. دیوان‌سالاری منظم اسلامی در روزگار عباسیان بسط و قوام یافت. حمایت خلفای عباسی از وزیران، سبب افزایش قدرت و نفوذ آن‌ها در اداره کشور شد. در روزگار طاهریان و صفاریان دیوان مانند دستگاه دوره پیش از آن (خلافت) بود. در دوره سامانیان نیز دواوین مختلف، مسئول تمشیت امور بوده‌اند؛ چنان‌که نرشخی می‌گوید: «و در عصر سامانیان، هر عاملی را جداگانه دیوانی بودی اندر سرای خویش بر در سرای سلطان، چون دیوان وزیر و دیوان مستوفی و دیوان عمیدالملک و دیوان شرط و دیوان صاحب مؤید، دیوان اشراف، دیوان مملکه خاص، دیوان محتسب، دیوان اوقاف و دیوان قضا» (نرشخی، ۱۳۶۲: ۴۲).

در سلسله غزنویان، سلطان محمود غزنوی نظام دیوان‌سالاری را حمایت کرد و شخص وزیر اداره دیوان رسائل، استیفا و اشراف را بر عهده داشت. با روی کار آمدن سلجوقیان، نهاد وزارت، دوران طلایی خود را آغاز کرد؛ چنان‌که خواجه نظام‌الملک طوسی، وزیر ملک‌شاه، علاوه بر صدارت، دیوان استیفا و فرماندهی نظامی را نیز بر عهده داشت. امتیازات خواجه نظام‌الملک از وزارت، بیش از سایرین بود. او

سلطان را در لشکرکشی‌ها یاری می‌کرد. سعدالملک، وزیر محمد بن ملک‌شاه نیز مسئول جمع‌آوری قشون برای کمک به سلطان شد (کلوسنر: ۱۳۸۹: ۹۰).

در روزگار ایلخانان، وزیر اختیارات ویژه‌ای داشت. عطاملک جوینی از وزیران بانفوذ این عصر است. خاندان جوینی، علاوه بر منصب وزارت، ادیب نیز بوده‌اند. با بررسی روزگاران گذشته تا قرن هشتم هجری، می‌بینیم که وزیر و مقام وزارت، اهمیت شایانی داشته است. در تاریخ ایران منصب وزارت از دیدگاه سیاسی فرازوفرودهایی داشته است. هرگاه وزیر اختیاراتی داشته است، از سوی مخالفان با تهدید روبه‌رو می‌شد. گاهی اقتدار وزیر سبب کاهش قدرت شاه می‌شد؛ سپس پادشاه با همراهی و تحریک امیران روزگار خود، آن وزیر را از منصب وزارت عزل می‌کرد.

به‌طور کلی وظایف و اختیارات وزیران را با توجه به متون تاریخی بدین ترتیب می‌توان برشمرد:

۱. حفظ اوضاع مساعد مالی و ذخیره پول.
۲. تأسیس مساجد، مدارس و خانقاه‌ها.
۳. حضور در امور تشریفاتی به‌عنوان نماینده سلطان.
۴. گماشتن و به‌کارگیری قشون.
۵. مذاکره درباره پیوند زناشویی سلطان با دختران و نزدیکان خلیفه و برعکس.
۶. سوگند وفاداری وزیر به نیابت سلطان در هنگام جلوس خلیفه.

۲. بیان مسئله

«منشآت‌نویسی» از روزگار گذشته تاکنون یکی از ابزارهای ارتباطی بوده است. از این‌رو نگارش نامه‌ها آداب ویژه‌ای داشته است و برای شیوه تدوین نامه، کتاب‌های بی‌شماری نگاشته شد. در بارها و مناصب دیوانی، منشیان به تنظیم و کتابت نامه‌ها می‌پرداختند. مکاتیب سلطانی نامه‌های رسمی و دیوانی بوده است که پادشاهان و امرا برای هر طبقه اجتماعی می‌نگاشتند.

در اندیشه سیاسی ایران، با آنکه پادشاه فرد نخست کشور بوده، اما اداره امور کشور بر محور دستگاه وزارت می‌چرخیده است. با تشکیل نظام‌های حکومتی، وزرا نیز همراه پادشاهان نقش‌های ویژه‌ای را ایفا می‌کردند. افزون بر سلطنت، وزارت نیز در اداره کشور اهمیت داشته است. وزیر، شخص دوم مملکت و نماینده حکمران یا پادشاه بوده است که در مواردی به طور مستقل می‌توانست حکمی را صادر کند.

با پژوهش در منشآت سلاطین که در سال ۷۱۶ کتابت شده است، افزون بر آشنایی با الگوی نامه‌های تاریخی که در این اثر وجود دارد، می‌توان به بخش‌هایی از تاریخ مجهول ایران در سده‌های

هفتم و هشتم دست‌یافت. در لابه‌لای نامه‌هایی که در این اثر نگاشته شده است می‌توان به نقش تاریخی صلاح‌الدین ایوبی، معین‌الدین پروانه و شمس‌الدین اصفهانی پی برد و تاریخ پرتلاطم و فرازوفروود گذشته نیاکان را در دسترس خوانندگان مشتاق قرار داد. این پژوهش از دیدگاه اجتماعی و تاریخی به مسئله وزارت در قرون ششم، هفتم و هشتم در لابه‌لای نسخه منشآت سلاطین می‌پردازد.

۳. روش و ضرورت پژوهش

روش گردآوری مطالب در پژوهش حاضر از نوع کتابخانه‌ای و شیوه تحقیق به صورت توصیفی-تحلیلی است. در زمینه منشآت سلاطین تا به حال پژوهش روشمندی صورت نگرفته است. از این رو ما را بر آن داشت تا به بررسی ویژگی‌های اجتماعی و تاریخی نهفته در نامه‌های این اثر بپردازیم و زوایای مختلف فرهنگی و اجتماعی آن را برشکافیم.

۴. پیشینه و هدف پژوهش

تاکنون مقالات اندکی درباره نقش وزرا در حکمرانی و کشورداری تألیف شده است. از نمونه مقالات تاریخی که به این موضوع پرداخته است می‌توان به مقاله غلامحسین سعیدیان و زهرا یوسفی با عنوان «وزیران سلجوقیان بزرگ از نگاهی دیگر» اشاره کرد که نگارندگان این مقاله وزرای طغرل، الب ارسلان، ملازگرد، عمیدالملک، ملکشاه و نظام‌الملک را با استفاده از منابع تاریخی توضیح داده‌اند (ر.ک. سعیدیان، یوسفی، ۱۳۸۶: ۱۰۱).

جواد عباسی و فاطمه حاجی‌آبادی مقاله‌ای با عنوان «وزارت در دودمان‌های محلی ایران در قرن هشتم از زوال ایلخانان تا برآمدن تیموریان» تدوین نموده‌اند و تعدادی از وزرای دوره ایلخانی را معرفی و حوزه اختیارات و وظایف آنان را بیان کرده‌اند (ر.ک: عباسی و حاجی‌آبادی، ۱۳۹۵: ۱۷۴).

منصوره شریف‌زاده در مقاله‌ای با عنوان «تأثیر مولانا بر معین‌الدین پروانه و نقش آن در شکست مغولان روم» موضوع را کاویده است. شریف‌زاده در این مقاله معتقد است که تأثیر روحی مولانا بر پروانه سبب شد تا او که خود یکی از امرای دولت مغولان بود علیه آنان دست به مبارزه سیاسی بزند و مقدمات شکست آنان را فراهم کند (شریف‌زاده، ۱۳۸۶: ۴۲۳).

همچنین جمشید روستا، مجتبی جوکار و سمیه روستایی مقاله‌ای با عنوان «تحلیلی بر خدمات سیاسی و فرهنگی صاحب شمس‌الدین محمد اصفهانی» نوشته‌اند (ر.ک: روستا و همکاران، ۱۳۹۱: ۳۹). نگارندگان این مقاله، جایگاه و نقش وزرایی چون صلاح‌الدین ایوبی، معین‌الدین پروانه و

شمس‌الدین اصفهانی را که در منشآت سلاطین به آن اشاره شده است، از دیدگاه تاریخی و سیاسی آن روزگار بررسی کرده، سپس به نمونه‌نامه‌هایی که از آن وزرا در نسخه منشآت سلاطین نگاشته شده است، می‌پردازند. گفتنی است تاکنون نسخه منشآت سلاطین تصحیح نشده است. همچنین مقالاتی نیز در این باره به چاپ نرسیده است.

۵. ویژگی‌های زبانی

سبک‌شناسی، دانش شناسایی شیوه کاربرد زبان در سخن یک فرد، یک گروه یا در یک متن است. بنیاد کار این دانش بر تمایز گوناگونی و گزینش زبانی است (فتوحی، ۱۳۹۱: ۹۲). ویژگی زبانی اثر در سطح‌های آوایی، لغوی، نحوی بررسی می‌شود. بررسی سبک‌شناسی آوایی از این رهگذر به تأثیر زیبایی‌شناسیک آواها در سخن ادبی و آرایه‌های لفظی و بدیعی مانند سجع، جناس، وزن می‌پردازد. سطح آوایی و موسیقایی در هر متن متفاوت است. از آنجایی که متن‌های مثنوی فاقد موسیقی بیرونی یعنی وزن و قافیه است، موسیقی درونی که شامل سجع و جناس و تکرار است در نثر مشاهده می‌شود.

۵.۱. سطح آوایی

الف) تتابع اضافات: از ویژگی سبکی متن تتابع اضافات که در هنگام استفاده از القاب و عناوین، مبالغه‌آمیز است؛ مانند: گردن استظهار، آثار مواهب یزدانی، قضارای امنیت، شعاع آسمانی، سایه مرحمت خدیگان، هوش والای دانا، اندوه شب و روز، زخم حادثه، انامت لوازم زمین‌بوس.

ب) نغمه حروف: آنچه در منشآت قرن هفتم و هشتم به چشم می‌خورد، این است که موسیقی برخاسته از واج‌آرایی صامت‌ها محسوس‌تر از موسیقی از واج‌آرایی مصوت‌هاست. در متن زیر نغمه حروف «ش» فصاحت و بلاغت فراوانی ایجاد نموده است. همچنین تکرار صامت ش احساس شور و هیجان را در مخاطب برمی‌انگیزد.

«داد و دهش و بخشش و بخشایش خداوندگار بزرگوار مرزبان نامدار لشکرکش گیتی پشت‌وپناه مسلمانی هزار سال افسانه زبان جهانیان و اندوه‌زدای همگنان باد کردارش به خشنودی ایزد بازبسته...» (منشآت سلاطین: برگ ۹)

کاربرد متناوب صامت‌های «ش» زیبایی ویژه‌ای به وجه شنیداری کلام می‌دهد و از نظر عاطفی تأثیر بسزایی بر خواننده می‌گذارد؛ واج و تکرار آن به گونه‌ای است که شنونده را به شور و شوق و آرامش دعوت می‌کند. منشآت سلاطین از نثرهای فنی است. صنایع ادبی تشبیه، سجع، جناس، تناسب و اطناب

در بیشتر نامه‌ها یافت می‌شوند؛ برای نمونه در نامهٔ زیر سجع (موافق، مطابق)، مترادفات، قلب و عکس (عشیره، شریعه) و غرابت استعمال (تحنن) متنی دشواریاب و خلاف‌آمد عادت پدید آورده است.

«سعادت جاودانی و مرادات دوجهانی موافق و مطابق امام مجلس عالی امیر سید اجل کبیر عالم عامل زاهد عابد فاضل کامل بارع متقن متقی شرف‌المله والدین قدوه‌الاسلام و المسلمین سیدالسادات فی‌العالمین فخرالعشیره صدرالشریعه کریم الطرفین ذوالریاستین ذخر آل یاسین ناصح‌الملوک و السلاطین تاج آل رسول‌الله صلی‌الله علیه و سلم باد و آفریدگار جلت قدرته معین و ظهیر. سلام و خدمت و ثنا و محمدمت قبول فرماید و تحنن و نزاع و تعطش و ابتیاع به یمن منظر و حُسن مخبر به حدی و مثابتی فرماید...». (منشآت سلاطین: برگ ۸)

پ) جناس: آنچه در نگارش منشآت سلاطین آشکار است بازی‌های لفظی و زبانی است که به اقسام جناس برنامه‌ها توجه شده است؛ مانند: جناح نجاج، نوایب شوایب، طغرا غرا، سموم هموم، مساس اساس، صفوت اوصاف.

ت) سجع: کاربرد سجع و انواع آن از ویژگی اصلی متن است استفاده از سجع سبب آراستگی کلام شده است؛ مانند: دواعی همت و بواعث نهمت، بنده‌نواز دادگستر هنرپرور، مشایخ و معارف، وصل‌ها و امنا بیان را در تقریر مقدمات آن قصوری هرچه تمام‌تر است و چگونه مشتاق نباشم به شهری که دامن آن از انجم فضایل مطالع اقماراست. خاک آن در لطافت با هوا معادل و آب آن در عذوبت شکر مماثل است.

۵.۲. سطح لغوی

الف) استشهاد به آیات قرآن و احادیث: در بیشتر نامه‌ها آیات و احادیث با توجه به موضوع نامه، انتخاب و به‌گونه‌ای در متن درج شده است که با محتوای نامه مطابقت دارد. لایمان له لمن لاصلوه له ولا صلوه لمن لازکوه له «لولاک لمن خلقت الافلاک».

ب) بیت‌های عربی و فارسی: تمام اشعار عربی و فارسی به‌کاررفته در متن بدون ذکر نام سرایندهٔ اثر است. در بخشی از نامه اشاره به بیت فردوسی شده است:

دهان گر بماند ز خوردن تهی	از آن به که ناساز خوانی نهی
الله حیث رحلتم جار لکم	والا من دار والسرور ندیم
والعیش غص والمناهل عذبه	والجو طاق و الریاح نسیم

(منشآت سلاطین: برگ ۹۷)

پ) کاربرد اصطلاحات ترکی: بیشترین واژه‌ها در این روزگار از تأثیر حکومت‌های مغولی و ایلخانی، زبان ترکی و مغولی است که بسامد بسیاری داشته است. از واژه‌هایی که بیشترین بسامد را داشته‌اند می‌توان به: سیورغال، خاتون، ایلچی، قورچی، تمغا، یرلیغ، باتونونین و بایجو اشاره نمود. از کلمات پرکاربرد دیگر می‌توان به سوباشی و بلکا اشاره کرد.

۵.۳. سطح نحوی

الف) ترکیب‌های معطوف

بیشتر واژه‌های عربی به‌عنوان معطوف به‌کاررفته‌اند. کلمات عطف مترادف وهم معنی هستند. گاه این واژه‌های معطوف عربی وفا رسی است؛ مانند: علایق و بوایق، سرما و ثلوج، اشتیاق و آرزومندی، مسابقت و مشایعت.

بیشترین صفاتی که دیده می‌شود، از تأثیر حکومت‌های مغولی، ایلخانی، زبان ترکی و مغولی است که بسامد بسیاری داشته است. از واژه‌هایی که بیشترین بسامد را داشته‌اند می‌توان به: سیورغال، خاتون، ایلچی، قورچی، تمغا، یرلیغ، باتونونین، بایجو اشاره نمود.

ب) به کاربردن فعل جمع برای صفت مبهم

هیچ آفریده را درین جایگاه دنیا بیش از دو روز مقیم ندارند، هیچ مسرت از روزگار وی ننمایند، کسی تمسک نمودند. (منشآت سلاطین: برگ ۱۸)

پ) نشانه‌های جمع

ابطال، عقود، خواتین، بساتین، تعزیرات، عوارضات، موالات، گردن کشان.

ث) حذف فعل

«خدمتکار مخلص که خدمت آن حضرت طرار حله زندگانی و فهرست آمال وامانی و نقش صحیفه خیال و عنوان نامه استقامت احوال و سبب حیات ابد و موجب بقاء سرمد و نهال باغ سیادت و مفتاح در سعادت و فاتحه اوراد ذکر و زیور آبکار فکر می‌داند...» (منشآت سلاطین: برگ ۴۷).

۶. ویژگی‌های ادبی

۱-۶ ترکیبات اضافی: در متن منشآت بیشتر ترکیبات اضافه تشبیهی و استعاری است. مانند «طبع وقاد، آفتاب گیتی‌افروز، گوش ظفر، آتش شوق، چتر ارزق، بوستان جهان، آفتاب حرمان زمان.

ب) استفاده از ضرب‌المثل

ضرب‌المثل یکی از اقسام ادبی است که مورد توجه بسیاری از شاعران و نویسندگان فارسی و عربی زبان بوده است. کاربرد مثل یکی از شاخصه‌های سبکی به شمار می‌رود. در منشآت سلاطین ضرب‌المثل‌های عربی بیش از ضرب‌المثل‌های فارسی به کار رفته است. نمونه‌ای از ضرب‌المثل‌ها:

القلوب الی القلوب یشاهد، من حفر بیر الاخیه وقع فیه، تکسرت النصال علی النصال، الاذن تعشق قبل العین احیانا، اضاعه الفرصه غصه (منشآت سلاطین: برگ ۳۷).

مثلی هست در جهان مشهور هرچه از دیده دور از دل دور
دل از دل همیشه گواهی دهد چو یک تن به مهر آشنایی دهد
(منشآت سلاطین: برگ ۴۹)

۲-۶ نثر شاعرانه

در نثر شاعرانه، حال و هوای نثر و مفاهیم منطقی و گزارش حقایق غیرشعری است که جامعه قافیه سجع و صناعات شعری را بر تن کرده است. آفرینش‌های هنری که در قالب نثر فارسی است با عناوین شعر منثور، نثر شاعرانه و نثر ادبی یاد شده‌اند. از دیگر ویژگی‌های موسیقایی نامه‌های قرن ۷ و ۸ وجود قطعاتی شاعرانه است. انتخاب واژه‌ها، چینش آن، عناصر کلام، تخیل کلام، فرمی شاعرانه را به وجود آورده است. از این رو استفاده از جناس، سجع، واج‌آرایی، موازنه، ترصیع و تقارن‌های موسیقی، نشان هنری نگارش نامه‌های آن روزگار است.

۳-۶ موارد مخل ادبیت کلام

نثر نامه‌های این دوره با تکرار بیش از اندازه، منجر به کلیشه‌ای شدن تکنیک‌های فنی ادبی شده است. از این رو خواننده، بهره‌چندانی نمی‌برد. این امر ناشی از محتوای نامه‌هاست. محتوای نامه‌ها در قالب تهنیت‌نامه بیت‌المقدس از خوارزمشاه به ملک صلاح‌الدین نورالله، تهنیت‌نامه ملوک به بازگشتن از سفر، تهنیت‌نامه وزارت برای وزیری که بعد از عزلت به وزیری رسید، تهنیت‌نامه به مولانا قاضی وجه‌الدین که مجیرالدین نوشته، تهنیت‌نامه به امیر دادی، تهنیت‌نامه برای تولیت، تهنیت‌نامه به قدوم سفر... که بیشتر موضوعات خشک و بی‌مزه‌ای است و با خودستایی پادشاه و خدمتگزاران است. نیز با هنر بلاغت آراسته شده زیبایی ویژه‌ای را به متن نشان می‌دهد. نگارندگان به موارد مخل بلاغت کلام می‌پردازند؛ برای نمونه در نامه محتسبان که در منشآت درج شده است، کل نامه را در یک خط می‌توان خلاصه کرد.

حال آنکه راقم سطور با انواع و اقسام مدایح و مترادفات فقط عرض سلام و ارادت و شرح اشتیاق را باز گفته است:

«هر سعادت که از افق آفاق بر ساکنان این وثاق امکان اشراق دارد فیض انوار قدسی و رایض آثار انسی به واسطهٔ مراسم بی مزاحم خود از طبقات سماوات و شرفات سرادقات نثار فوق احیان و اوان و عصور و دهور مجلس عالی عالم عادل مؤید مشید قادر قاهر قانع منصف منتصف فاروق العهد صلاح العالم ناسخ ذروع الجلاله ناسخ قروع الضلاله مظهر العدل والانصاف ذوالهیبه والسیاسه والرافه والالطاف مدبر ریح حسنات بلاد روم... (منشآت سلاطین: برگ ۸).

۴-۶ افراط در آوردن مضمون

از دقت در نامه‌های منشآت سلاطین بر می‌آید که اغلب نویسندگان نامه‌ها، ادیبانی توانا و آشنا به دقایق ادبی بوده‌اند و تصویرگری‌های شاعرانه و مضمون‌پردازی‌های ظریف از ویژگی‌های سخن آنان است. اما گاه در مضمون‌آفرینی طریق افراط را پیموده‌اند. نگارنده می‌کوشد تا ضمن شناخت شاعر و اشعار وی، عیوب بلاغت به ویژه افراط در مضمون‌آفرینی را مورد بحث و مذاقه قرار دهد و وجوه مختلف آن را در این نامه‌ها نشان دهد. چنان‌که از نامه‌ها مشخص است گاه یک مضمون واحد به صورت‌های متنوع تکرار می‌شود. افراط در این تکنیک موجب غیرهنری شدن متن نامه‌ها شده است.

۵-۶ آوردن القاب و عناوین بی‌دری

یکی از ویژگی‌های نامه‌های درباری، القاب و عناوین است. عطاملک جوینی دربارهٔ شیوه و نگارش نامه‌ها در روزگار مغولان می‌نویسد: «چنان‌که شیوهٔ مقبالان و سنت صاحب‌دولتان باشد، ابواب تکلف و تنوع القاب و شدت امتناع و احتجاب بسته گردانیده‌اند، هر کس که بر تخت خانی نشیند، یک اسم درافزایند. خان یا قآن و بس زیادت از آن نویسد و دیگر پسران و برادران او را به همان اسم موسوم به هنگام ولادت خوانند. مشافهه و مغایبه خاص و عام و مناشیر و مکتوبات که نویسند همان اسم مجرد نویسند و مقصود سخن نویسند و زواید القاب و عبارات را منکر باشند» (جوینی، ۱۳۸۸: ج ۱، ۱۹).

القاب به شیوه‌ای مبالغه‌آمیز برای بزرگداشت نوشته می‌شود. گونه ترکیبات، در ترسلات در زبان عربی رایج شد که مکتوب از شیوهٔ ساده به سبک مطنب گرایید و القاب خاص به وجود آمد. پس برای هریک از مشاغل و مناصب دیوانی، نعوت و عناوین خاصی پدید آمد و نیز اگر مکتوب از ادنی به اعلی نوشته می‌شد، عناوین و نعوت بیشتری در آن به کار می‌رفت (زرشناس، ۱۳۹۱: ۷۸).

۶-۶ آوردن دو فعل پشت سرهم

استفاده فراوان از واژه‌ها، امثال و ترکیبات عربی از دیگر ویژگی‌های سبکی منشآت این دوره است. اما باین‌وجود انسجام وحدت هنری در بین واژه‌ها ایجاد شده است که جزئی از بافت هنری کلام محسوب می‌شوند. آنچه در بین نامه‌ها به چشم می‌خورد، شیوه نگارش نامه‌ها به مقتضای بافت هنری کلام است. هنگامی که واژه‌های عربی به گونه‌ای مترادف با عبارت‌های دیگر آورده، هدف از آن، ایجاد موسیقی در کلام است. سجع و جناس از جمله آرایه‌هایی هستند که تأثیر بسزایی در موسیقایی کلمات عربی ایجاد می‌کند. بیشتر واژه‌هایی که در منشآت به کار رفته، واژگان عربی است. این واژگان امروزه در زبان عربی کاربرد چندانی ندارند. واژگان متنی عبارت‌اند از: نقیر، قطمیر، قطان، ضراعت، اسعاف، مناص، انجبار، مصار، ارسام، ترفین. عبارات و جملات عربی به وفور در متن استفاده شده‌اند و بیشتر این جملات دعایی است که گاه در ابتدای نامه‌ها، القاب و نعوت به آن اشاره شده است.

۷. نقش وزرا در منشآت سلاطین

با نگاهی در تاریخ ایران، روشن است که چاره‌اندیشی در امور سیاسی، امور مالی، اداره کشور و مشاغل دیوانی به عهده وزیران بوده است. نقش وزارت در دوره سلجوقی و پس از آن، اهمیت بیشتری داشته است. وزیران روزگار سلجوقی از قدرت بسیاری برخوردار بودند و گاهی در جایگاه نایب سلطان، کارهای نظامی، قضایی و مالی را نیز رسیدگی می‌کردند. بیشتر درباریان برای دست‌یافتن به منصب وزارت با توطئه‌چینی و حتی به قتل رساندن وزیری کاردان فروگذار نبودند. قتل فجیع عمیدالملک‌کندری (۴۵۶ه.ق) به حسادت نظام‌الملک طوسی (خوافی، ۱۳۸۹: ۱۸۰)، انفصال نظام‌الملک طوسی (۴۸۵ه.ق) به سعادت ترکان خاتون، همسر ملکشاه سلجوقی و قتل او توسط ابوطاهر ارانی، فدایی اسماعیلی نمونه‌ای از وزیرکشی در این عصر است (رک: طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱۱).

با پژوهش در نسخه منشآت که یک اثر تاریخی مهم روزگار ایلخانان است، افزون بر آشنایی با الگوی نامه‌های تاریخی که در این اثر وجود دارد، نگارنده به معرفی و شناخت سه وزیر (صلاح‌الدین ایوبی، معین‌الدین پروانه و شمس‌الدین اصفهانی) می‌پردازد.

۸. جنگ‌های صلیبی و تأثیر آن بر ادبیات

جنگ‌های صلیبی به نبردهای مذهبی گفته می‌شود که در میان مسیحیان و مسلمانان درگرفت. این جنگ‌ها عمدتاً در بیت‌المقدس خاورمیانه از قرن یازده تا پانزده میلادی رخ داد. وقتی سخن از جنگ‌های

صلیبی به میان می‌آید، جنگ بین مسیحیان و مسلمانان بر سر بیت‌المقدس، به‌ویژه اورشلیم است. با این حال، جنگ‌های متعدد دیگری هم بودند که بین کاتولیک‌ها برای تصرف قلمرو، اهداف سیاسی و یا جنگ با کافران (غیرمسیحیان) و مرتدان دین رخ می‌داد.

اروپای غربی در اواخر قرن یازدهم میلادی به یک قدرت نوپا تبدیل شده بود. اما قدرتهایی مانند: امپراتوری بیزانس (۳۳۰-۱۴۵۳ میلادی)، خلافت فاطمیان (۹۰۹-۱۱۷۱ میلادی)، خلافت عباسیان (۱۵۱۷-۷۵۰ میلادی) و امپراتوری سلجوقیان (۱۰۳۷-۱۱۹۴ میلادی) قرار داشت. در سال ۱۰۹۵ میلادی، آلکسیوس یکم، فرمانروای امپراتوری بیزانس، نمایندگان خود را نزد پاپ اوربان دوم فرستاد تا از غرب برای مقابله با خطراتی که بیزانس را تهدید می‌کرد، درخواست نیروی کمکی کنند. در آن هنگام، ترک‌های سلجوقی، تهدید بزرگی برای بیزانس محسوب می‌شدند. در نوامبر همان سال، پاپ در شورای کلرمونت فرانسه، مسیحیان را برای کمک به مردم بیزانس و بازپس‌گیری بیت‌المقدس فراخواند. تصمیم بر آن شد که تمامی کسانی که به جنگ صلیبی ملحق می‌شدند، لباسی با علامت «صلیب» به نشانه کلیسا بر تن کنند. این گونه بود که نخستین جنگ صلیبی به وقوع پیوست.

در طول دو قرن درگیری مسیحیان با مسلمانان در نواحی مختلف غرب آسیا، مانند سوریه و فلسطین و همچنین مناطق شمالی آفریقا، صرف‌نظر از درگیری‌های متعدد، به سبب ارتباطات گسترده مسیحیان با مسلمانان، تحولات و تأثرات فرهنگی و تمدنی بسیاری در حوزه‌های مختلف، به‌ویژه در حوزه ادبیات بر جای مانده است. بنابراین می‌توان فرض کرد که این روابط و مناسبات، تأثیر گسترده‌ای در نامه‌نگاری‌های برجای‌مانده از قرون هفت و هشت داشته است. برای نمونه سعدی در گلستان از اسارتش چنین گفته است: «از صحبت یاران دمشقم ملالتی پدید آمده بود. سر در بیابان قدس نهادم و با حیوانات انس گرفتم تا وقتی که اسیر فرنگ شدم. در خندق طرابلس با جهودانم به کار گل بداشتند» (سعدی، ۱۳۸۴: ۷۹). لازم به ذکر است که طرابلس حدود صد و هشتاد سال در دست صلیبیان ماند و حتی صلاح‌الدین ایوبی نیز نتوانست آن را فتح کند (رنسیمان، ۱۳۵۱: ج ۱، ۳۶۱). بالاخره این آخرین دژ صلیبیان در سال ۶۸۸ هجری / ۱۲۸۹ میلادی به دست سلطان الملك المنصور قلاوون مملوکی در ۲۶ آپریل ۱۲۸۹ م / ۶۸۸ هجری فتح شد و طرابلس دوباره به دست مسلمانان افتاد و صلیبیان جنوایی و نیز ساکن دژ به قبرس گریختند (رک: سعدی‌نامه، ۱۳۸۷: ۱۱).

جنگ‌های صلیبی و لشکرکشی‌های مسلمانان به اروپا زمینه‌ای را فراهم آورد که دانشمندان و نظامیان به علم و آگاهی بپردازند. اروپائیان با الگوبرداری از شاعران مسلمان، ادبیات اسلامی و مضامین آن موجب رشد ادبیات اروپا و رنسانس شدند. تأثیری که جنگ‌های صلیبی در ادبیات اروپا داشت،

می‌توان به ادبیات منظوم و اشعار ترو بادور اشاره کرد. بیشتر زبان‌شناسان لفظ تروبادو Trou badoure را برگرفته از واژه طرب و طراب عربی دانسته‌اند و بیشتر شاعران تروبادور براساس دو قالب شعر عرب به نام موشح و زجل، اشعار خویش را می‌سرودند (هونکه، ۱۳۶۱: ج ۸، ۳۲۰).

سرعت جنگ‌های صلیبی، اروپا را به اوج کمال رسانید و بسیاری آثار به جا مانده از دانشمندان اسلامی، یونانی، هندی، یهودی، به وسیله مترجمان و دانشمندان اروپایی ترجمه شد. آثار سه‌روردی، ابن‌سینا، محمد غزالی و ابن نفیس دمشقی که پیرامون خودشناسی و خداشناسی در زمینه فلسفه نگاشته شده بود، مورد توجه اروپائیان قرار گرفت.

دانشمندانی مانند قدیس توماس آکویناس و قدیس بونا وانتور با بهره‌گیری از داستان‌های عرفانی ابن عربی و احادیث پیامبر به تدوین آثار خود پرداختند و از بهترین داستان‌های عرفانی می‌توان به کمدی الهی دانتته اشاره نمود. دانتته با آثار دانشمندان اسلامی آشنا بود (احمد، ۱۳۶۲: ۱۲۷).

داستان‌های حماسی و پهلوانی به پیش از اسلام برمی‌گردد. داستان‌های هزارویک شب توجه ادیبان اروپا را به خود جلب کرد و پس از آن بوکاچیو در دکامرون و شکسپیر از آموزه‌های اخلاقی و حکایات استفاده کردند.

بازرگانان اروپایی و نیز جنگ‌های صلیبی سبب اعتلای فرهنگ اروپائیان شدند و پیوسته تحت تأثیر فرهنگ مشرق قرار گرفتند. همین امر سبب شد دکارت، کتاب «گفتار در طریقه درست راه بردن عقل و طلب حقیقت در علوم» خود را به تقلید از اثر ارزشمند المنقذ من الضلال غزالی پدید آورد (شریف، ۱۳۶۷: ج ۳، ۵۳۳).

۹. نقش صلاح‌الدین ایوبی

یکی از نامه‌های نسخه خطی منشآت سلاطین «تهنیت‌نامه بیت‌المقدس» از خوارزمشاه به ملک صلاح‌الدین است که افزون بر آنکه متضمن جزئیات فتح بیت‌المقدس و شادباش آن است، فرستادن تحفه‌ای بالارزش یعنی هفت جلد تفسیر قرآن به سلطان ایوبی را ذکر کرده است. متن آن بخش از نامه که این تحفه را ذکر کرده به قرار زیر است:

«الجمیله بس از بهر اداء بعضی از این شکرانه و از نهج جزوی از منهاج معرفت این حقوق هفت مجلد مفسر قرآن مجید که عبارت آن علی الجملة والتفصیل کنوز بشارت و رموز اشارت عالم معالی و معانی و معالم اسرار سبحانی آمد بدان بارگاه که ابدأ سجودگاه ملوک و سلاطین باد فرستاده آمد چه تحفه آن سده و هدیه آن علیه الاحنین منشوری نتواند بود عروسی مکی و مدنی است» (منشآت سلاطین، برگ ۱۳).

گفتنی است که تاریخ درج نامۀ یادشده در نسخه منشآت سلاطین بعد از فوت صلاح‌الدین ایوبی بوده است که با عبارت «نورالله مضجعه» یاد شده است.

نام صلاح‌الدین، یوسف و شهرتش ایوبی است. فنون تیراندازی را از پدرش نجم‌الدین و فرماندهی را از شیرکو اسدالدین (عمویش) آموخت. از ویژگی اخلاقی او می‌توان به سخاوت، تواضع در برابر دشمن مغلوب، پایبندی به عهد و پیمان، جوانمردی و رعایت حرمت زنان اشاره کرد. صلاح‌الدین هنگام فتوحات فرمان قتل صادر نمی‌کرد. او پیش از سلطنت در دمشق ملقب به صلاح‌الدین و سپس در مصر ملقب به ملک‌الناصر شد. او توانست بیشتر سرزمین‌های قدس را آزاد کند. آزادی بیت‌المقدس آغاز جنگ‌های صلیبی شد.

صلاح‌الدین ایوبی نقش بسزایی در جنگ‌های صلیبی به‌ویژه فتح بیت‌المقدس داشته است. بر اساس منابع تاریخی، صلاح‌الدین از امرای زنگی شام بود و با تسلط بر مصر و جنگ‌های پی‌درپی با فرنگیان توانست بیت‌المقدس، قبله اول مسلمانان، را فتح کند. او بنیان‌گذار دولت ایوبی است. سرانجام در سال ۵۸۹ هجری در دمشق بیمار شد و درگذشت.

شهر بیت‌المقدس نخستین قبله و پس از مکه و مدینه سومین شهر مقدس مسلمانان است و نیز این شهر برای یهودیان و مسیحیان اهمیت داشته است. با ظهور اسلام، شهر مقدس (اورشلیم) و دیگر شهرهای واقع در دره اردن و فلسطین و سوریه، عرصه برخورد با سپاهیان ایران و روم بود. خسرو پرویز ساسانی از سال ۶۱۴م بر قدس دست یافت و صلیب حضرت عیسی را به تیسفون، پایتخت ساسانی، انتقال داد تا بار دیگر هرایکلوس امپراتور روم شرقی (۶۱۰-۶۴۱م) فلسطین و سوریه را متصرف شد و صلیب را از تیسفون به بیت‌المقدس برد (رک: یاقوت حموی، ۱۹۵۵: ۱۶۶-۱۷۵).

بیت‌المقدس از مهم‌ترین بناهای مذهبی است که برای تمام ادیان اهمیت بسیاری داشته است و بیشتر نزاع‌های سیاسی و نظامی برای تصرف آن بوده است. با توجه به اینکه سرزمین قدس مرکز عبادی بوده است، خلفا و سلاطین در توسعه و نوسازی بناها، مدارس، مساجد، کوشش بسیاری کردند و نیز دانشمندان و تاریخ‌نویسان در وصف سرزمین قدس و پیشینه تاریخی و اجتماعی و مذهبی آن آثار ارزنده‌ای به یادگار گذاشتند.

ایوبیان، دودمان کرد سنی مذهب بودند. این سلسله پس از فاطمیان و زنگیان به حکومت رسید. صلاح‌الدین ایوبی فرمانروایی خاندان ایوبی را در مصر بنیان نهاد. او در چندین جنگ به پیروزی رسید. سرانجام صلاح‌الدین در جنگ حطین پادشاه اورشلیم را شکست داد و سرزمین بیت‌المقدس را گرفت. سپس با برآمدن مغولان، فرمانروایان ایوبی برافتادند:

«تهنیت نامهٔ بیت‌المقدس از خوارزمشاه به ملک صلاح‌الدین نورالله مضعه

قال الله تعالى و ينصرک الله نصرأ عزیزاً و قال النبى صلى الله عليه و سلم السلطان ظل الله فى الارض ياوى اليه كل مظلوم و مظلومه. نظر اصطناع لایزالی و اثر انتفاع ذوالجلالی تعالی الله عمأ یصفون در طباقات اجناس مخلوقات و ابداع مکونات و انواع محسوسات نه‌چندان است که اصحاب حجی و ارباب نهی بر غوامض و خفایای آن واقف و مدرک شوند بر اطلاق درج و مراتب او و انفاق امکان و مکانت و اظهار کیفیت و اعلام ماهیت ناممکن است هرکجا امداد ترادف الطاف و اصناف تضاعف اوصاف متوجه گردد...» (منشآت سلاطین، برگ ۱۳).

از جملات این نامه این گونه استنباط می‌شود که ارزش انسان‌ها به خرد است نه به اصل و نسب. اصل و نسب در درجهٔ دوم اهمیت قرار می‌گیرد. خرد پرورده می‌شود در سایهٔ اموری چون به کارگرفتن پند و اندرزها، اعتقاد درست داشتن و به‌کارگیری رأی و دانش. در این نامه مشاهده می‌شود که از دید خوارزمشاه، صلاح‌الدین ایوبی حامی دین و ملک است. او در این زمینه به‌زعم خود به حدیثی قدسی اشاره کرده است. اما باید بدانیم که «سلطان ظل الله» از اندیشه‌های ایرانشهری است و بنا به قولی از گفته‌های اردشیر بابکان است (طباطبایی، ۱۳۷۷: ۱۹۶-۲۰۲).

«و بیان مبرهن و تبیان منطوق مقال اقدس و اقوال انفس متقارب و متعارش نصب نص کلام ازلی است عزّ شأنه و تعزّز سلطان اعلام اسلام عروهٔ اوثق و ملجاء احق و منحا اسمق هر مظلومی و مظلومهٔ است خاصه و اخصّ الخاصه بارگاه مجلس اعلی و درگاه سلطان معلماً شحنه الاله علی ابناء العالم و بنی آدم پادشاه عادل عالم کامل ماجد... امام مسجدالاقصی صدیق ثانی مهدی الزمن قوام المعن جامع الکلمات الله العلیا مرزبان بقاع الافرنج والشامات ولی الالهام والکرامات سلطان الحی والقاطئه اصل المأرب فی المعارب محصل اشراق المشارق فلک المعالی والمعانی ملک ملوک العجم والعرب والبعد والقرب مختارالخلفاء قدوه الاولیاء معمار مقابر الانبیاء لا زالت ظلّه و دولته ...» (منشآت سلاطین، برگ ۱۱).

از این منظر، گفته‌های این نامه در تأیید و تبریک به صلاح‌الدین ایوبی به مضامین نوشته‌های نجم رازی که هم‌عصر خوارزمشاهیان است، شباهت بسیار دارد: «بدان که سلطنت، خلافت و نیابت حق تعالی است در زمین و خواجه علیه‌السلام سلطان را سایهٔ خدا خواند و این هم به معنای خلافت است» (نجم رازی، ۱۳۸۷: ۴۱۱). آنچه در شباهت نظر نجم دایه و نامهٔ منشآت مهم و جالب است، این نکته است که در اندیشهٔ شاهی آرمانی، هم دایه و هم خوارزمشاه، نه‌تنها پادشاه را بلکه همهٔ ملوک دنیا را مظهر صفات خداوندی می‌داند که «صلاح دنیا و الدین» به دست پادشاه صورت می‌پذیرد: «آنان که ملوک دین‌اند، ایشان مظهر و مظهر صفات لطف و قهر خداوندی‌اند...» (همان: ۴۱۳). نظریهٔ «الدین و الملک»، چنانچه

از پژوهش‌های پیشینیان برمی‌آید، از اندیشه‌های ایرانشهری و از سخنان اردشیر بابکان، بنیان‌گذار، سلسله ساسانی است. عبارات پایان نامه، نشان‌دهنده این امر خطیر در پادشاهی است که دو امر دین‌داری و دین‌ورزی با مملکت‌داری و شهریاری نه تنها در تناقض و مغایرت با یکدیگر نیستند، بلکه در تعامل با هم و در تکامل همدیگرند: «رجعنا الی احکام الشرع والسنن معلوم ائمه عقل و شرع است که دنیا سراسر نیست چون او سلطانی و جهان ستانی مزرعه که احتمال دارد که الذئبا مزرعه الآخره ایزد سبحانه و تعالی زراعت خیرات و حراثت حسنات این مزرعه را که این سلطان دین مسرور محبوب محبت و آب دیده طاعت مدخر فرموده است، شایسته میزان عرصات و مقبول و پذیرفته کیل و نیل آخرت گرداناد» (رک: همین نامه).

در پایان باید گفت از این نامه چنین برمی‌آید که دین و پادشاهی لازم و ملزوم همدیگرند که یکی بدون دیگری کاری از پیش نمی‌برد و نتیجه‌ای جز ناکامی در پی نخواهد داشت. رابطه میان دین و پادشاهی آن‌چنان در تنگنای با یکدیگر قرار دارند که «جدایی میان آن‌ها، هم پادشاهی را به کالبدی بی‌روح و هم دین را به شاه بی‌سپاه بدل می‌کند. نادیده گرفتن یکی از این دو، سبب خلل در دیگری می‌شود» (ظهیری ناو، ۱۳۹۳: ۱۲۳).

۱۰. معین‌الدین پروانه

از زادروز و جزئیات زندگی معین‌الدین پیش از مقام وزارت آگاهی چندانی در دست نیست. امیر سپهدار معین‌الدین ابوالمعالی سلیمان بن علی مشهور به پروانه، مردی روشنفکر بود. سپس وارد دیوان شد و در روزگار هلاکو اداره امور دولت سلجوقی روم را در دست گرفت (بیانی، ۱۳۸۱، ج ۳: ۹۱۶). او سپهسالار ارزجان بود. نخست در دستگاه پدرش خدمت نمود و پس از مرگ پدر حاجب سالار دربار رکن‌الدین ارسلان، قلع سلطان علا‌الدین کیقباد و سلطان غیاث‌الدین کیخسرو شد. او وزیری باتدبیر و شجاع بود و فرماندهی نظامی جنگ‌های سلجوقی را بر عهده داشت. فضلا و علما را حمایت و تشویق نمود و در مجالس مولانا حضور داشت. در روزگار اباق‌خان دستور قتل او را می‌دهند و پس از معین‌الدین فرزندش محمد بک پروانه به حاجب سالاری رسید (فضل‌الله، ۱۳۷۳، ج ۲: ۱۱۱۴). یکی از رویدادهای مهم در روزگار وزارت معین‌الدین پروانه، حمایت وی از عرفا بود. در پی یورش قوم مغول به ایران، بسیاری از آثار علم و تمدن نابود شد. مردم برای بازیابی آرامش از دست‌رفته خود، به خانقاه و تصوف روی آوردند. معین‌الدین که به گفته تاریخ‌نویسان از مریدان مولانا بود، از مردم و عرفا حمایت کرد. از آثار تاریخی این گونه برمی‌آید که مولانا پیوسته معین‌الدین را ارشاد و راهنمایی می‌کرد.

«امیر نامدار معین‌الدین سلیمان بن علی الدیلمی در رزانت و درایت و کفایت طویت اسم و بحر خصم بود همواره خلوات او با علما و اتقیا و زهاد و عباد بودی و وظایف صلات او در جمله ممالک از هر روزنی بر هر یتیمی و بیوه‌زنی چون آفتاب تابان و چون فیض بحر بی‌پایان بودی» (ابن بی بی، ۱۳۵۰: ۳۲۰).

معین‌الدین پروانه تحت تأثیر مولانا بود و پیوسته پند و اندرزهای او را به کار می‌بست. افلاکی در مناقب می‌نویسد: «با وجود پرچود او عالمیان آسوده‌اند و امن عظیم و ارزانی نعمت و بی‌نهایت است. و همچنان در زمان او علما و شیوخ و افاضل در مدارس و خانقاه مرفه و جمع‌اند، بی‌حد تحسین‌ها می‌کردند. حضرت مولانا فرمود که یاران راست می‌گویند و آنچه می‌گویند صدچندان است» (افلاکی، ۱۳۹۶: ۱۰۷). گویی معین‌الدین پروانه نصیحت امام محمد غزالی را مبنی بر شنیدن نصایح علمای دین همواره آویزه گوش داشته است.

معین‌الدین پروانه افزون بر اینکه مرید مولانا بود، به دیگر صوفیان و عارفان به‌ویژه فخرالدین عراقی توجه داشت. او خانقاهی در شهر ساخت و او را شیخ آن خانقاه نمود. شمس‌الدین احمد افلاکی می‌گوید: «روزی پروانه از حضرت مولانا التماس نمود که وی را پند دهد و نصیحت فرماید؛ زمانی متفکر مانده بود، سر مبارک برداشت و گفت که امیر معین‌الدین می‌شنوم که قرآن را یاد گرفته‌ای؟ گفت: آری. دیگر شنیدم که جامع الاصول احادیث را از خدمت شیخ صدرالدین سماع کرده‌ای؟ گفت: بلی. گفت: چون سخن خدا و رسول را می‌خوانی و بحث می‌کنی و می‌دانی و از آن کلمات پندپذیر نمی‌شنوی و بر مقتضای هیچ آیتی و حدیثی عمل نمی‌کنی، از من کجا خواهی شنیدن و متابعت نمودن؟ پروانه گریان برخاست و روانه شد و بعد از آن به عمل عدل‌گستری و احسان مشغول گشته خیرات نمود تا یگانه آفاق شد» (افلاکی، ۱۳۹۶: ۴۶۱).

«[پروانه] که شب و روز دل و جانم به خدمت است و از مشغولی‌ها و کارهای مغول به خدمت نمی‌توانم رسیدن، فرمود که این کارها هم کار حق است. زیرا سبب امن و امان مسلمانان است. خود را فدا کرده‌اید به مال و تن تا دل ایشان را به جای آرید، تا مسلمانی چند با من به طاعت مشغول باشند، پس این نیز کار خیر باشد و چون شما را حق تعالی به چنین کار خیر میل داده است و فرط رغبت دلیل عنایت است. و چون فتوری باشد در این میل، دلیل بی‌عنایتی باشد که حق تعالی نخواهد که چنین خیر خطیر به سبب او برآید تا مستحق آن ثواب درجات عالی نباشد» (افلاکی، ۱۳۹۶: ۱۶۵).

مولانا کوشش می‌کرد انسان‌ها به تزکیه نفس بپردازند. مولانا از سالکان راه حقیقت بود. تغییر و تحول درونی برخی از وزرا مانند معین‌الدین پروانه در سرنوشت ایران تأثیر بسزایی دارد و اگر در جایی او شکوه‌ای می‌نمود، مولانا او را پیوسته تشویق می‌کرد که در منصب وزارت بماند و خدمتگزار خلق باشد.

معین‌الدین که از وزرای مغول بود با تعالیمی که از مولانا فرا گرفت، تحولی شگرف در او ایجاد شد. روزی از مولانا از زمان پایان یافتن دولت چنگیز می‌پرسد. این پرسش نشان می‌دهد که او به رهایی سرزمینش می‌اندیشد و جاه و مقام برای او ارزشی ندارد. سرانجام این وزیر ایران دوست عهد مغول چون سایر پیشینیان، جان خود را در راه مبارزه با مغولان از دست داد.

نمونه‌ای از نامه:

«عز و اقبال از ورای این چتر ازرق و ستر معلق به واسطه عروسان فلکی و طاوسان ملکی از آثار انوار الهی نثار روزگار خداوند، ولی الایادی عالم عادل موید مظفر منصور مجاهد مساعد مرابط معاون، تاج الدوله والدین، جلال الاسلام والمسلمین، کمال الدوله جمال المله عز الامه، نذیر الممالک، خطیر الملک، فخر الحضرة، عده السلطنه ذخر الخلافة المعظمه، صفوه الامامه المکرمه، صاحب السیف و القلم، مالک العلم و العلم، ذوالمناقب و المناصب و المآثر و المفاخر، مختار الملوک و السلاطین، سپهدار الروم و الشام و الارمن، الخ قتلغ بلکاهمایون تهمتن اعظم خاص سرانه سوباشی - یک اعلی الله شانه و اظهر - برهانه باد و...» (منشآت سلاطین، برگ ۳).

چنان‌که از ساختار و محتوای این نامه برمی‌آید، این نوشته به نسبت نامه خوارزمشاه به صلاح‌الدین ایوبی، نثری روان‌تر و ساده‌تر و همراه با صنایع لفظی و معنوی دارد که در آرایش و زینت کلام مؤثر افتاده است؛ برای نمونه ستر معلق (پرده آویخته) استعاره از آسمان است. سجع میان عروسان فلکی و طاوسان ملکی به صور خیال نهفته در این دو ترکیب غرابت و زیبایی بخشیده است. از نظر محتوایی نیز معین‌الدین در صدد ارائه شخصیتی جامع و کامل از مخاطب است. اگر او را هم سیف به دست و هم‌قلم به دست می‌داند، یعنی حکمرانی‌اش همراه با درایت و حکمت است و علم و علم را باهم دارد. هرچند در ظاهر معین‌الدین مخاطب خود را به راستی و درستی ستوده، اما در واقع او را به خصال نیک و راستی (به‌عنوان اصلی اساسی در حکمرانی) فرامی‌خواند (رک: ثروت، ۱۳۷۸: ۴۵). معین‌الدین در این سطور به ارکان پادشاهی اشاره می‌کند و راستی یکی از اصولی است که سبب بقای شاه و مملکت اوست. انحراف از راستی برابر با زوال و نابودی است. زیرا تخطی از آن سبب برهم خوردن نظم کیهانی می‌شود. «اندیشه ایرانی با بهره‌گیری از دو واژه «شهریور» و «فر» ضمن تبیین خاستگاه الهی فرمانروایی، نحوه شروع فرمانروایی را که همان حکمرانی نیک است، بیان می‌دارد. حکمرانی نیک به معنای تحقق راستی و مبارزه با بدی است» (قادری، ۱۳۸۵: ۱۳۲). راستی اصل و اساس هستی است. اندکی تغییر و انحراف در نظم کیهانی که آفرینش بر پایه آن می‌چرخد، منجر به انحراف در کل پدیده‌های هستی می‌شود.

۱۱. شمس‌الدین محمد اصفهانی

شمس‌الدین از شخصیت‌های کوشا در روزگار سلجوقیان بود که در سلطنت عزالدین کیکاوس بسیار پیشرفت کرد. او پس از ورود به دربار سلجوقیان، به مقام اشراف مطبخ دست یافت. سپس منشی خاص سلطان مقام (طغرای) شد و سرانجام به وزارت رسید.

به نظر می‌رسد که شمس‌الدین محمد اصفهانی پیش از رسیدن به مقام وزارت، با توجه به نامه‌ای با مضمون «قصیده انگوریه» که در منشآت سلاطین وجود دارد، شاعری شناخته‌شده بوده است و افزون بر شاعری نزد علی خطاط تبریزی به مشق خط نیز پرداخته است. چنان که «تاج‌الدین تبریزی را طلب داشتی و همه روز به اوی در انواع علوم بحث‌ها فرمودی و نزد خواجه ولی والدین علی خطاط تبریزی که در خطاطی عطار وقت و نادره عهد بود، به یادگیری خط اشتغال داشت» (ابن بی‌بی، ۱۳۵۰: ۵۷۳). نمونه‌ای از اشعار او در کتاب «الاوامر العلائیه فی الامور العلائیه» تألیف امیر ناصرالدین حسینی آمده است. کتاب وی که عنوان آن الاوامر العلائیه فی الامور العلائیه است، به نام تاریخ ابن بی‌بی مشهور است. این کتاب که درباره تاریخ سلاجقه روم یا آسیای صغیر است، در آغاز سال ۶۸۰ هجری قمری به اتمام رسیده و وقایع بین سال‌های ۵۸۸ تا ۶۷۹ هجری را در بر دارد و یکی از کتب بسیار نفیس و پراهمیت درباره تاریخ سلاجقه روم و به خصوص زندگی شمس‌الدین محمد اصفهانی به شمار می‌رود و شاید به این تفصیل کتابی درباره آن خاندان نوشته نشده باشد:

یا حاکما سماجلت فضایله من ان یمیل الی زور و بهتان

(همان: ۵۷۶)

با این بیت روشن می‌شود که وی به زبان عربی نیز آگاهی داشته است و تبحر او در شاعری به حدی بوده است که مورد توجه سلطان عزالدین کیکاوس قرار بگیرد. بخشی از نامه «قصیده انگوریه» به شرح ذیل است:

کشید رایت دولت بدین دیار انگور فکند سایه همت همای وار انگور
نمود طلعت زیبا چو خوشه پروین به طالعی که کند زهره اختیار انگور
پس از چهله میلاد زردروی چو شمع رسید موکب عیسی خرسوار انگور
بدان امید که لطف فرستدش به رهی سپید کرده دو دیده در انتظار انگور
ز سر شراب شبانه برفته صبح‌دمی چو قصد کرد بدین خطه هوشیار انگور

امام ملک الکلام جلال‌الدین ورکانی که قاضی شهر آماسیه بود، قصیده‌ای در مدح شمس‌الدین سرود و نیز چند بار انگور از آن ناحیه برای شمس‌الدین محمد اصفهانی صاحب دیوان که از اکابر دبیران

و شعرای دولت سلجوقی است، فرستاد. شمس‌الدین در پاسخ به ورکانی قصیده‌ای نیز در هفده بیت سروده است. در اینجا به ذکر چند بیت از آن بسنده می‌کنیم:

«هذا كتاب من انشا افصح العالم صاحب النظم والنثر قاضى القضاة جلال المله والدين الوركانى دام
ظله ارسله الى جناب مولى الموالى الصاحب الاعظم العالم العادل ملك الوزراء فى العالمين شمس الدوله
والدين نظام الاسلام والمسلمين اعز الله انصاره.

زهى ز مشرب لطف تو خورده آب انگور بتاب مهر تو پرورده آفتاب انگور
جناب كعبه شكوه تو را چو اهل هنر ز جور دور فلک ساخته بتاب انگور
به خوشه چینی لفظ خوش تو چون زنبور شفاء خلق نهان کرده در لعاب انگور
هنگامی که سلطان عزالدین رحمه الله از قیصریه عزم آقسرا فرمود، چون از منزل سنتلو به دیه
سوراخان رسید، سلطان برسبیل امتحان به حریفان گفت: که هر کس دوبیتی بگوید و این دو موضع را
به موقع تلفیق کند، چنان که اسماع حسن تضمین آن دو رباط، نشاط افزایش دهد. صاحب شمس‌الدین این
دوبیتی سرود:

بادام شبی با تو گل اندام چنان کز غایت لطف، شرح کردن نتوان
لب بر لب و رخ بر رخ و آنگه پس از آن سنتلو را نهاده بر سوراخان»

با سرودن این دو بیت نزد سلطان محبوب شد و به مقام اشراف مطبخ گماشته شد:

«سلطان استحسان نمود و احسان فرمود و بر جودت صریحت و سرعت بدیعت او محمدمت گفت و
بر اشراف مطبخ، انشای خاص مضاف شد و از آن زمان تا پایان عمر و انقضای اوان اوامر، هر روز منصبی
منیف و منزلتی شریف یافتی» (ابن بی بی، ۱۳۵۰: ۸۳ و ۸۴).

و پس از این مقام به منصب منشی (طغرایبی) گماشته شد. صاحب این منصب حکم ریاست دیوان انشا
داشته و مقامی بسیار والا در دیوان بوده است. طغرل خط قوسی است که در بالای نامه‌ها ترسیم می‌شد.
در روزگار سلجوقیان (دیوان طغرا) ارسال مکاتبات و خبرهای سلجوقی و ایالت‌ها بود و نیز رئیس دیوان
طغرل را صاحب طغرا می‌گفتند (راوندی: ۱۳۶۳: ۴۲).

نامه‌ای که می‌توان به آن برای شناختی بهتر از شمس‌الدین اصفهانی استناد کرد، نامه قاضی
اوحدالدین به شمس‌الدین طغرایبی است. این نامه به شرح ذیل است:

«قاضی اوحدالدین نویسد نزد طغرایبی:

همواره مواكب مواهب ربانی و رواتب مراتب دوجیهانی مقارن ایام و اوقات و ... اعوام و ساعات
مجلس عالی صدر اجل کبیر حبر متجل نحریر عالم عامل عادل فاضل فایق باذل مظفر منور مؤید مشید

منصور مشهور شمس‌الدوله والدین صدرالاسلام والمسلمین ملک الصدور فی العالمین معجز الاقلام محرز الاعلام منشی الکلام منشی النثر والنظم قوام الملوک والسلاطین ادام الله ظلّه و ادله فضلّه باد...» (منشآت سلاطین، برگ ۹۶).

عبارات «حبر متجل نحریر عالم عامل عادل فاضل فایق باذل» به شدت برگرفته از مفهوم عدالت و راستی در اندیشه ایرانی است که از طریق تداوم اندیشه سیاسی ایرانی به ذهن و زبان نویسندگان راه یافته و در کتب حکومت‌داری مانند سیاست‌نامه، دستورالوزرا و قوانین‌الوزاره تدوین گشته است. در این نامه، راستی، پیشه‌گرفتن در کارها حکایت از نظم و ترتیب و قاعده دارد. این نوع راستی، عدالت را نیز دربردارد. زیرا فردی که عادل است راستی را همواره در نظر می‌گیرد. اما آنجا که شخص بی‌عدالتی کند، یعنی راستی را زیر پا گذاشته و اشکال در نظم هستی ایجاد شده است.

هنگام ورود شمس‌الدین به دربار سلجوقیان روم وزیر سلطان غیاث‌الدین درگذشت و سرانجام در سال ۶۴۲ هجری قمری به مسند وزارت دست یافت. در آغاز وزارت او تاریخ‌نویسان می‌نویسند: «سلطان غیاث‌الدین کیخسرو تیغ زرین نیام، جهت قطع احکام و فصل دعای کافه ایام در کف کفایت صاحب نهاد و حل و عقد، نصب و عزل، امر و نهی و قبض و بسط کافه امور مملکت بدو باز گذاشت و فرمود که هر که از امرا و کبرا و اماجد و اعاضم ملک از دایره‌ای حکم و خط مطاوعت مثال صاحب تعدی نماید، بدین شمشیر، بی‌بیم به دو نیمه کند» (ابن بی‌بی، ۱۳۵۰: ۲۵۰). شمس‌الدین در هنگام وزارت بدون امر سلطان اگر کسی از فرمان او سرپیچی می‌کرد، خود او را مجازات می‌نمود. از دیگر خدمات سیاسی او لشکرکشی به شهر طرسوس است که این شهر تحت نظارت ارمنیان بود و با درایت او توانست بخش‌هایی از قلعه‌های ارمنیان را فتح کند و ضمن انعقاد عهدنامه‌ای، آن‌ها پذیرفتند خراجی را به سلجوقیان بپردازند.

نتیجه

نامه‌های موجود در منشآت سلاطین به صورت آیین‌نامه حکومت‌داری است. از روزگار ساسانیان تا پایان سده هشتم، پادشاهان وزیرانی داشتند که در مقام وزارت، شمشیر و قلم را در دست داشتند. وزیر مقام سیاسی و اداری است که در بخش‌های گوناگون دربار ایفای نقش کرده است. با بررسی وزرای تأثیرگذار در این پژوهش می‌توان دریافت که شمس‌الدین اصفهانی، شاعری توانا بوده است. توجه او به شعر و ادب سبب شد که به دربار وارد شود و با تصمیم‌های هوشمندانه و با انجام خدمات فرهنگی به منصب وزارت دست یابد. معین‌الدین از مریدان و حامیان مولانا بود. تغییر و تحول درونی معین‌الدین در سرنوشت ایران

تأثیر بسزایی داشت. علاقه او به فخرالدین سبب شد خانقاهی در شهر ایجاد کند و او شیخ خانقاه شود. از ویژگی‌های اخلاقی او عدل‌گستری و احسان است. جاه و مقام برای او ارزشی نداشت. او پیوسته به رهایی ایران از هجوم مغولان می‌اندیشید. سپس در این مبارزات پی‌درپی جان خود را از دست داد. صلاح‌الدین ایوبی از امرای دولت زنگی شام بود که در مصر دولت ایوبی را پایه‌گذاری کرد. از نشانه‌های بارز موفقیت صلاح‌الدین با توجه به آنچه در منابع تاریخی یاد شده، رفتار و منش او بوده است که توانسته بیت‌المقدس را آزاد کند.

ساختار و محتوای نامه‌های ذکر شده نشان می‌دهد نوشته معین‌الدین پروانه به نسبت نامه خوارزمشاه به صلاح‌الدین ایوبی، نثری روان‌تر و ساده‌تر و همراه با صنایع لفظی و معنوی دارد که در آرایش و زینت کلام مؤثر افتاده است. از نظر محتوایی نیز معین‌الدین درصدد ارائه شخصیتی جامع و کامل از مخاطب است و از نوشته‌هایش این چنین برمی‌آید که حکمرانی‌اش همراه با درایت و حکمت است و علم و علم را با هم دارد. در نامه سوم نیز نویسنده، مخاطب را (شمس طغرای) فردی باریک‌بین و دقیق در نویسندگی و نامه‌نگاری دانسته و ستوده و همچنین وی را ضامن دوام و بقای حکومت خوانده است. ویژگی سبکی نامه‌های این دوره با تکرار بیش‌ازاندازه منجر به کلیشه‌ای شدن تکنیک‌های فنی ادبی شده است. در بیشتر نامه‌ها آیات و احادیث با توجه به موضوع نامه انتخاب و به‌گونه‌ای در متن درج شده که با محتوای نامه مطابقت دارد. ویژگی‌های موسیقایی نامه‌های موجود، قطعاتی شاعرانه است. انتخاب واژه‌ها، عناصر و تخیل کلام، فرمی شاعرانه را به وجود آورده است. از این‌رو استفاده از جناس، سجع، واج‌آرایی، موازنه، ترصیع و تقارن‌های موسیقی، نشان هنری نگارش نامه‌های آن روزگار است. القاب به شیوه‌ای مبالغه‌آمیز برای بزرگداشت به کار می‌رفته است. بسیاری از اندیشه‌های ایران‌شهری در منشآت سلاطین دیده می‌شود. نویسندگان نامه‌ها به عدل و راستی، توأمان بودن دین و ملک، خرد و... تأکید بسیاری داشتند. زیرا این موارد را سبب نظم کیهانی می‌دانستند و می‌خواستند دیگران نیز با مطالعه این اثر، شیوه درست حکومت را بیاموزند و در نهایت بتوانند در جهت ایجاد مدینه فاضله گام بردارند.

منابع

- ابن بی‌بی (امیر ناصرالدین حسینی) (۱۳۵۰)، *اوامرالعلائیه فی امورالعلائیه*، به اهتمام محمدجواد مشکور، تهران: کتابفروشی تهران.
- احمد، عزیز (۱۳۶۲)، *تاریخ سیسیل در دوره اسلامی*، ترجمه نقی لطفی و محمدجعفر یاحقی، تهران: علمی و فرهنگی.
- افلاکی، شمس‌الدین احمد (۱۳۹۶)، *مناقب‌العارفین*، به کوشش توفیق هاشم‌پور سبحانی، تهران: دوستان.
- بیانی، شیرین (۱۳۸۱)، *دین و دولت در ایران عهد مغول*، جلد سوم، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- ثروت، منصور (۱۳۷۸)، *خردنامه*، تهران: امیرکبیر.

- جرجانی، عبدالقاهر (۱۳۶۸)، اسرار البلاغه، تهران: دانشگاه تهران.
- جوینی، محمد، (۱۳۸۸)، تاریخ جهانگشای جوینی، جلد اول، تهران: دنیای کتاب.
- حسینی، علیرضا و همکاران (۱۳۹۵)، «نقش جنگ‌های صلیبی در انتقال متون ادبی و عرفانی و فلسفی اسلامی به اروپا»، نشریه پژوهشنامه تاریخ اسلام، شماره ۲۱، صص ۱۳۹-۱۵۱.
- خوافی، مجد (۱۳۸۹)، روضه خلد، مقدمه و تصحیح و تعلیق عباس‌علی وفایی، تهران: سخن.
- رازی، نجم‌الدین (۱۳۸۷)، به کوشش محمدمامین ریاحی، تهران: علمی و فرهنگی.
- راوندی، محمد بن علی بن سلیمان (۱۳۶۳)، راحه الصدور و آیه السرور (در تاریخ سلاجقه) به تصحیح عباس اقبال آشتیانی و توضیحات مجتبی مینوی، تهران: امیرکبیر.
- رنسیمان، استیون (۱۳۵۱)، تاریخ جنگ‌های صلیبی، ترجمه منوچهر کاشف، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- روستا، جمشید و همکاران (۱۳۹۱)، «تحلیلی بر خدمات سیاسی و فرهنگی صاحب شمس‌الدین محمد اصفهانی، نشریه پژوهش‌های تاریخی دانشگاه اصفهان، دوره ۴، شماره ۱، صص ۳۹-۶۴.
- زرشناس، زهره و مریم مؤذنی (۱۳۹۱)، آیین نامه‌نگاری در زبان سغدی بر اساس نامه‌های باستان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد.
- سعدی، گلستان (۱۳۸۴)، غلامحسین یوسفی، تهران: فردوسی.
- سعیدیان، غلامحسین و زهرا یوسفی (۱۳۸۶)، «وزیران سلجوقیان بزرگ از نگاهی دیگر» نشریه علمی پژوهشی مسکویه، دانشگاه آزاد اسلامی، شماره ۶ صص ۱۰۱-۱۳۲.
- شریف‌زاده، منصوره (۱۳۸۶)، «تأثیر مولانا بر معین‌الدین پروانه و نقش آن در شکست مغولان روم» مجله فرهنگ، پاییز و زمستان، شماره ۶۳ و ۶۴ صص ۴۲۳-۴۳۶.
- شریف، م.م (۱۳۶۷)، تاریخ فلسفه در اسلام، تهیه و گردآوری نصرالله پورجوادی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۸۹)، مفلس کیمیا فروش، تهران: سخن.
- طباطبایی، سیدجواد (۱۳۷۷)، درآمدی فلسفی بر تاریخ اندیشه سیاسی در ایران، تهران: کویر.
- طباطبایی، سیدجواد (۱۳۹۰)، خواجه نظام‌الملک گفتار در تداوم فرهنگی ایران زمین، تهران: نگاه معاصر.
- ظهیری ناو، بیژن و دیگران (۱۳۹۳)، «سیر و تداوم اندیشه‌های ایران‌شهری درخردنامه گمنام»، پژوهش‌های ادبی، سال ۱۱، شماره ۴۵، پاییز صص ۱۲۳-۱۴۰.
- عباسی، جواد، حاجی آبادی، فاطمه (۱۳۹۵)، «وزارت در دودمان محلی ایران در قرن هشتم هجری از زوال ایلیخانان تا برآمدن تیموریان» ایران نامه، شماره ۱، صص ۱۷۴-۱۹۸.
- غزالی، محمد بن محمد (۱۳۸۳)، نصیحه‌الملوک، به کوشش حسین خدیوچم، جلد اول، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- فتوحی، محمود (۱۳۹۱)، سبک‌شناسی، تهران: انتشارات سخن.
- فلاحیه، احمد (۱۳۶۷)، واژگان انگلیسی ماخوذ از عربی، تهران: سروش.
- فضل‌الله رشیدالدین (۱۳۷۳)، جامع التواریخ، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- قادری، حاتم و تقی رستموندی (۱۳۸۵)، «اندیشه ایران‌شهری (مختصات و مؤلف‌های مفهومی)»، فصلنامه علمی پژوهشی علوم انسانی دانشگاه الزهراء، سال ۱۶، شماره ۵۹، صص ۱۲۵-۱۳۲.
- کلوسنز، کارلا (۱۳۸۹)، دیوان سالاری در عهد سلجوقی، ترجمه یعقوب آژند، تهران: امیرکبیر.

- محرم‌خانی، فریبرز (۱۳۸۹)، «بررسی تأثیر اندیشه‌های ایران‌شهری بر آرای امام محمد غزالی»، پژوهشنامه علوم سیاسی، سال ۵، شماره ۴، صص ۱۷۸-۱۹۳.
- مصاحب، غلامحسین (۱۳۸۰)، دایره‌المعارف، جلد دوم، بخش اول، تهران: امیرکبیر، کتاب‌های جیبی.
- منشآت سلاطین، نسخه خطی (۷۱۶)، قم: کتابخانه آیت‌الله مرعشی.
- نرشخی، محمدبن جعفر (۱۳۶۲)، تاریخ بخارا، به کوشش مدرس رضوی، تهران: توس.
- هاشم‌پور سبحانی، توفیق (۱۳۷۱)، مکتوبات مولانا، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- هونکه، زیگرید (۱۳۶۱)، فرهنگ اسلام در اروپا، ترجمه مرتضی رهبانی، تهران: نشر فرهنگ اسلامی، امیرکبیر.
- یاقوت حموی، المعجم البلدان، (۱۹۵۵)، سازمان میراث فرهنگی.
- یعقوبی، احمد بن اسحاق، (۱۳۷۱)، تاریخ یعقوبی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی